

مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران
تمت مدارک

۱۷۴۱۲

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

و

موانع کاربرد آن در ایران

✽

(پایان نامه کارشناسی ارشد)

نگارش

سعید گازرانی

✽

استاد راهنما

دکتر احمد ساعی

استاد مشاور

دکتر بهزاد شاهنده

✽

۱۳۷۱-۲

۱۰۱۹

۱۷۴۱۲

تقدیم به همسر

که با همراهی، صبر و شکیبایی همدلانهاش،

مرا در انجام این کاریاری نمود.

سیاسگزاری

برخود فرض می‌دانم از بذل عنایت و رهنمودهای جناب آقای دکتر احمدساعی که در تهیه این رساله سمت استاد راهنما را برعهده داشتند، و جناب آقای دکتر بهزاد شاهنده که به عنوان استاد مشاور نظرات اصلاحی سازنده‌ای را ابراز فرمودند، تشکر نمایم. همچنین از سرکار خانم ندیمی مسئول محترم آموزش دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای دانشکده حقوق و علوم سیاسی بخاطر زحماتی که در طول دوره تحصیل و بویژه ایام تهیه این رساله از سوی اینجانب متحمل شدند، تشکر می‌نمایم.

فهرست مطالب

۱۲-۷

مقدمه :

بخش اول

رهیافت نظری به توسعه اقتصادی

فصل ۱: زمینه‌های تئوریک توسعه اقتصادی

۳۸-۱۴

اقتصاد توسعه از مکتب کلاسیک تا مارکسیسم ارتدوکس ۱۴ / آدام اسمیت ۱۴ / دیوید ریکاردو ۱۵ / مارکس ۱۶ / لنین ۱۷ / روزالوگزامبورگ ۱۸
نظریه نوسازی ۱۹ / دیوید مک کله‌لند ۲۱ / والت روستو ۲۱
نگرش‌های جدید مارکسیستی و توسعه ۲۴ / مفاهیم اساسی نگرش‌های جدید مارکسیستی ۲۵ /
نظریه نئومارکسیستی توسعه : آندره گوندر فرانک ۲۷ / نگرش مارکسیسم ساختارگرا :
فرناندو هنریک کاردوزو ۳۱ / تحولات جدید جهانی و نظریات توسعه ۳۴
ارجاعات فصل (۱) ۳۷

فصل ۲: جنبه‌هایی از رشد و توسعه اقتصادی

۷۲-۳۹

رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی ۳۹ / تعریف رشد و توسعه ۳۹ / تمایز رشد و توسعه ۴۳ /
شاخص‌ها و عوامل توسعه اقتصادی ۴۵ / مشخصه‌های توسعه و توسعه نیافتگی ۴۵ /
شرایط و عوامل دخیل در توسعه اقتصادی ۴۸
توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی ۵۱ / زمینه‌های پیدایش مطالعه سیاسی ۵۲ / ارتباط
میان توسعه سیاسی و اقتصادی و نوسازی ۵۳ / توسعه سیاسی : برداشت‌ها و
تعاریف ۵۵ / مراحل و خصلت‌های توسعه نیافتگی ۵۷
استراتژی‌ها و گرایش‌ها توسعه اقتصادی ۶۰ / استراتژی توسعه با تکیه بر کشاورزی ۶۱ /
استراتژی توسعه اقتصادی با تکیه بر صنعت ۶۲ / استراتژی توسعه جامع و
متوازن ۶۴ / سیاست جایگزینی واردات ۶۵ / گرایش توسعه صادرات ۶۶
ارجاعات فصل (۲) ۶۸

بخش دوم

توسعه اقتصادی کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

۲۲-۸۶

فصل ۳: مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

مدل و کاربرد آن در علوم اجتماعی ۷۲

ویژگی‌های مدل توسعه اقتصادهای تازه صنعتی ۷۷ / ویژگی‌های اقتصادی مدل توسعه

شرق آسیا ۷۹ / ویژگی‌های سیاسی مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی ۸۲ / ویژگی‌های

فرهنگی - اجتماعی مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی ۸۳

ارجاعات فصل (۳) ۸۵

۸۷-۱۱۵

فصل ۴: عملکرد کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا

تصویری دوباره از جهان سوم ۸۷ / عقب ماندگی اقتصادی ۸۸ / درآمد اندک و فقر

عمومی ۸۸ / رشد سریع جمعیت ۸۸ / کشاورزی ابتدایی ، مهم‌ترین بخش اقتصاد ۸۹ /

دوگانگی اقتصادی ۸۹ / وجود منابع طبیعی بهره‌برداري نشده ۹۰ / پس انداز و

سرمایه‌گذاری‌های محدود ۹۰ / عقب ماندگی تکنولوژیک ۹۱ / بیکاری و کم‌کاری مزمسن ۹۱

کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا و جهان سوم: مطالعه مقایسه‌ای ۹۲ / نرخ رشد

اقتصادی ۹۲ / تغییرات ساختاری اقتصاد و چرخش‌های بخشی دز اشتغال و تولید ناخالص

داخلی ۹۵ / توزیع درآمدها: برابری نابرابری ۹۸ / رشد صادرات کارخانه‌های ۱۰۲ /

سرمایه خارجی و بدهی‌ها ۱۰۶ / توسعه انسانی و اجتماعی ۱۱۱

ارجاعات فصل (۴) ۱۱۳

۱۱۶-۱۲۰

فصل ۵: علل موفقیت کشورهای تازه صنعتی

موفقیت‌های چهار کشور تازه صنعتی ۱۱۶

توسعه سیاسی در کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا ۱۲۱ / کره جنوبی ۱۲۳ / تایوان ۱۲۴ /

سنگاپور ۱۲۶ / هنگ‌کنگ ۱۲۷

علل سیاسی موفقیت کشورهای تازه صنعتی ۱۲۸ / تاثیر عوامل بین‌المللی بر تحولات

اقتصادی و سیاسی منطقه ۱۲۸ / سیاست آمریکا در منطقه ۱۳۰ / نقش ژاپن در موفقیت

کشورهای تازه صنعتی ۱۳۳ / عوامل سیاسی داخلی و موفقیت کشورهای تازه صنعتی ۱۳۵ /

دولت اقتدار طلب و توسعه گرا ۱۳۷ / نقش دولت در پیشبرد توسعه اقتصادی ۱۳۸ /

استقلال نسبی دولت : عامل موفقیت کشورهای تازه صنعتی ۱۳۹ / دستگاه اداری کارآمد

و سالم ۱۴۰

علل اقتصادی موفقیت کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا ۱۴۱ / اقتصاد سیاسی توسعه

کشورهای تازه صنعتی ۱۴۱ / شرایط مساعد اقتصاد جهانی ۱۴۳ / سرمایه‌گذاری و کم‌کم

خارجی ۱۴۵ / استراتژی توسعه کارآمد ۱۴۷ / اصلاحات ارضی ۱۵۰ / سیاست های کار
وکارگری ۱۵۳ / تحقیق و توسعه ۱۵۵
علل فرهنگی - اجتماعی موفقیت کشورهای تازه صنعتی ۱۵۶ / رابطه عوامل فرهنگی و
تحولات اجتماعی ۱۵۷ / آیین کنفوسیوسی و موفقیت چهار کشور تازه صنعتی ۱۵۹
ارجاعات فصل (۵) ۱۶۴

بخش سوم

مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی و ایران

فصل ۶: موانع کاربرد مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی در ایران ۲۰۷-۱۷۲
نسل جدید گرایش توسعه صادرات درجهان سوم ۱۷۲ / تکوین و گسترش نسل جدید
کشورهای صادرات گرا ۱۷۲ / نتایج سیاست های اصلاح ساختاری درجهان سوم ۱۷۵
استراتژی توسعه اقتصادی ایران در گذشته و حال ۱۷۷ / نظری بررسی سیاست های اقتصادی
پیش از انقلاب ۱۷۷ / جهتگیری های اقتصاد ایران پس از انقلاب ۱۸۰
ناموزونیهای جامعه ایران و توسعه سرمایه دارانه ۱۸۲ / موزونیهای جوامع تازه صنعتی
شرق آسیا ۱۸۲ / فرهنگ سرمایه داری و ویژگی های آن ۱۸۳ / اسلام و سرمایه داری: تعارض
یا همسویی ۱۸۵
موانع اقتصادی کاربرد الگوی توسعه صادرات در ایران ۱۸۹ / موانع اقتصادی
خارجی ۱۸۹ / موانع اقتصادی داخلی ۱۹۲
موانع سیاسی کاربرد مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی در ایران ۱۹۶
موانع فرهنگی کاربرد مدل توسعه کشورهای تازه صنعتی ۱۹۹
ارجاعات فصل (۶) ۲۰۳

۲۰۸-۲۱۷

منابع و مآخذ

الف) فارسی ۲۰۸

ب) انگلیسی ۲۱۴

مقدمه

موفقیت های اقتصادی بی سابقه و چشمگیر چهارکشورتازه صنعتی شرق آسیا - کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور - در طول چند دهه اخیر، موجب گردیده که بحث و گفتگو درباره سیاستهای اقتصادی این کشورها و امکان تعمیم آن به سایر کشورهای جهان سوم موضوع بسیاری از مباحث و آثار اقتصادی قرار گیرد. در پی پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از نخستین ضرورت‌هایی که انقلاب می‌بایست پاسخگوی آن باشد، طرح و تدوین استراتژی جامع توسعه اقتصادی - سیاسی - اجتماعی بمنظور غلبه شرایط نامساعد اقتصادی کشور بود. از اینرو مطالعه و بحث و بررسی علل و عوامل توسعه نیافتگی اقتصادی و راههای غلبه بر آن بتدریج درکانون توجه بسیاری از محققین و اندیشمندان کشور قرار گرفت. در این میان مشاهده موفقیت برخی از کشورها و ناکامی برخی دیگر در زمینه‌هایی از گرداب توسعه نیافتگی اقتصادی به جاذبه تعمق در ریشه‌ها و علل این کامیابی‌ها و ناکامی‌های افزود.

چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا با تکیه بر سیاستهایی که از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به اینطرف اتخاذ کردند، در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی به دستاوردهای چشمگیری نایل شده‌اند که آثار آن بویژه از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد نمود بیشتری یافته است. برخی از صاحب نظران مسایل این کشورها نظیر " استفان لیندر " (Staffan Linder) با توجه به این موفقیت‌ها پیش بینی می‌کنند که کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی - بدون احتساب چین - تا سال ۲۰۰۰ - بیش از مجموع اروپا و ایالات متحده آمریکا تولید خواهند داشت (۱). چنانکه در بحث های آتی - بویژه در فصل چهارم مشاهده خواهیم نمود کشورهای تازه صنعتی شرق آسیا از نظر رشد سریع - اقتصادی، تغییرات ساختاری اقتصاد، توزیع عادلانه تر درآمدها، رشد صادرات صنعتی کارخانه‌ای

مبتنی بر تکنولوژی پیشرفته، غلبه بر مشکل بازپرداخت بدهی‌ها و توسعه انسانی و اجتماعی گام‌های موثر و بلندی به پیش برداشته و نه تنها کشورهای توسعه نیافته را پشت سرگذارده‌اند، بلکه در مواردی با کشورهای پیشرفته صنعتی برابری می‌کنند.

صاحب‌نظران در تبیین موفقیت‌های چشمگیر چهار کشور تازه صنعتی به علل و عوامل گوناگونی اشاره کرده‌اند. برخی اتخاذ پاره‌ای سیاست‌های مشخص و دقیق اقتصادی را علت موفقیت آنها دانسته‌اند، گروهی بر ساختارهای سیاسی داخلی و نقش سیاست جهانی در عملکرد این کشورها تأکید نموده‌اند و برخی، زمینه‌های فرهنگی را به عنوان علت کامیابی این چهار کشور بر شمرده‌اند. بنظر می‌رسد تقلیل علل موفقیت کشورهای تازه صنعتی به تنها یک عامل، غیر واقع بینانه باشد و معقول تر آن خواهد بود که بپذیریم یک رشته خط‌مشی‌های اجتماعی - اقتصادی مشخص در تلفیق با ثبات سیاسی در پیشبرد برنامه‌های توسعه این جوامع نقش قاطعی ایفا نموده‌اند.

بهر حال، دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی شایان توجه این چهار کشور برای بخش عمده‌ای از جوامع توسعه نیافته جهان سوم این پرسش را برانگیخته که آیا راه توسعه کشورهای تازه صنعتی می‌تواند توسط ممالک توسعه نیافته آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا تقلید شود؟

در کشور ما، پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ با عراق، رویکردی اساسی به مدل توسعه چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا به عمل آمده و تلاش می‌شود تا در چارچوب "آزادسازی اقتصادی" (Liberalization)، خصوصی سازی و ایجاد تعادل اقتصادی با تکیه بر مکانیزم بازار، یک سیاست توسعه صادرات به مرحله اجرا درآید. ولی بنظر می‌رسد با توجه به تفاوت‌های ساختاری عمده میان ایران و کشورهای تازه صنعتی، تلاش در جهت تقلید از مدل توسعه این کشورها نتیجه چندانی در بر نداشته و نخواهد داشت.

موضوع رساله حاضر، بررسی و تبیین علل و عوامل موفقیت مدل توسعه چهار کشور تازه صنعتی شرق آسیا و موانع کار بست آن در ایران است. همانگونه که خواهیم دید موفقیت این کشورها نتیجه عوامل گوناگون و از جمله نقش کلیدی سرمایه‌داری می‌باشد. در واقع مدل توسعه این کشورها یعنی صنعتی شدن مبتنی بر گسترش صادرات، شکلی از توسعه اقتصادی سرمایه‌دارانه است که در پیوند با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی تکوین و بسط یافت. چنانکه خواهد آمد، سرمایه‌داری به مثابه یک کل را نمی‌توان به وجه اقتصادی آن منحصر دانست، بلکه این نظام متشکل از وجوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاصی است که با یکدیگر هماهنگی و انسجام دارند. عام‌ترین قانونمندی این نظام را نیز می‌توان وجود همین پیوند درونی و تلازم میان وجوه مختلف آن دانست. در واقع

هریک از وجوه وساختهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سرمایه‌داری تنها درکنار ودرپیوند باوجوه و ساختهای دیگر معنی پیدا می‌کند. درشرق آسیا محمل‌های فرهنگی و سیاسی متناسب با ساختهای فرهنگی و سیاسی سرمایه دارانه وجود داشت ودرنتیجه وجه اقتصادی سرمایه‌داری بخوبی پذیرفته شده و توسعه یافت.

درایران، شرایط فوق فراهم نیست، یعنی بدلیل حاکمیت یک جهان بینی الهی که متضمن ارزش‌ها، اصول، نهادها و ساختهای فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی خاص خود می‌باشد، میان وجوه فرهنگی و سیاسی جامعه (که خود متأثر از مکتب وایدئولوژی اسلامی می‌باشند) با اقتصاد سرمایه‌داری نوعی ناهم‌هنگی و عدم تجانس وجود دارد که مانع موفقیت یک الگوی سرمایه‌دارانه می‌شود. لذا باید توجه داشت که اثبات و تایید یانفی نظام سرمایه‌داری اصولاً "خارج از حوزة موضوع رساله حاضر است ودر اینجا تنها به حضور یا فقدان عوامل و شرایط دخیل در توسعه شرق آسیا توجه شده است.

شایان ذکر است که دربحث ایران، تنها اساسی‌ترین موانع موجود مورد مطالعه قرار گرفته و مواردی نظیر رشد بی‌رویه جمعیت، ضعف کمی و کیفی نظام آموزشی، سرمایه‌گذاری اندک در تحقیق و توسعه و ۰۰۰ بدلیل آنکه خود معلول موانع اساسی فوق بشمار می‌آیند، از حوزة مطالعه کنسار گذاشته شده‌اند.

مطالعه درخصوص توسعه و توسعه نیافتگی اقتصادی و بیابان عبارت دیگر پژوهش دربارة موقعیت اجتماعی - اقتصادی کشورهای مستعمره سابق و نیمه مستعمره یا مستقل بعدی، چسب در اقتصاد مارکسیستی و چه در اقتصاد سرمایه‌داری نسبتاً "دیر آغاز شد. چنین تاخیری ناشی از این واقعیت بود که تا نظامهای استعماری متلاشی نگردیدند و رشد اقتصادی کشورهای تازه به استقلال رسیده به صورت معضلی جهانی که حل آن خواست همگان باشد، درنیامد، اقتصاددانان گرایشی به تحقیق و پژوهش در این زمینه از خود نشان ندادند (۲).

دوتحول عمده و دوران ساز در سالهای پس از جنگ جهانی دوم زمینه را برای بسط افقهای تازه در اندیشه اقتصادی و طرح نگرش‌های جدید متناسب با شرایط و مقتضیات این عصر، مساعد ساخت (۳). نخست، توسعه کشورهای سوسیالیستی بود که روند آن از اواخر جنگ جهانی اول با وقوع انقلاب در روسیه آغاز گردید و به تدریج به پیدایی نظامهای سوسیالیستی در اروپای شرقی

و چین منجر شد. دگرگونی کیفی در ساختار اقتصادی و اجتماعی این کشورها که نتیجه انقباض سوسیالیستی در این جوامع بود، بصورت رشد و توسعه سریعی متبلور شد که این امر توجه اقتصاددانان را بخود جلب کرد. عامل دوم، ظهور و اوجگیری جنبش‌ها و نهضت‌های رهاییبخش ملی در سرزمینهای مستعمره و نیمه مستعمره بود. پیروزی برخی از این جنبش‌ها و پیدایش دولت‌های مستقل که دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بودند از یکسو باعث انگیزش مردم سایر کشورهای وابسته و تحت سلطه برای کنار زدن یوغ استعمار می‌گردید و از سوی دیگر ضرورت طرح دیدگاه‌هایی نو بمنظور رفع مشکلات و نارساییهای موجود، و تحقق رشد و توسعه اقتصادی را فراروی زمامداران این کشورها و اقتصاددانان داخل و خارج قرار می‌داد.

درواقع، کشورهایی که در پی مبارزات مستمر مردم خود به استقلال دست یافتند از ویرانه‌های حکومت‌های استعماری کهن سربرآوردند، لذا دیگر حاضر نبودند قربانی و اسیر تقدیر تاریخی تحمیل شده از خارج باشند و می‌کوشیدند تا سرنوشت آینده خویش را خود بدست گرفته و تعیین نمایند. در ۱۹۱۹ مستعمرات و کشورهای تحت الحمايه ۷۲ درصد سطح جهان و ۶۹ درصد جمعیت آنرا دربرداشتند. اما در نتیجه مبارزات پیگیر آنها در اوایل دهه ۱۹۷۰، مستعمرات باقیمانده کمتر از ۴ درصد مساحت و ۱/۱ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند (۴).

با پایان جنگ جهانی دوم، مردم آسیا و آفریقا که خود در بسیاری از صحنه‌های جنگ در زمره عوامل موثر پیروزی بودند، از موقعیت استثنایی بین‌المللی حداکثر استفاده را کردند و با عزمی راسخ، آزادی و استقلال را که پیش شرط اساسی پیشرفت و توسعه خود می‌دانستند، بتدریج فراچنگ آوردند. هنگامی که در ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد تاسیس شد فقط ۸ کشور آسیایی و ۳ کشور آفریقایی از نعمت استقلال برخوردار بودند ولی یک دهه بعد در کنفرانس باندونگ، تنها ۲۴ کشور هنوز در بند استعمار باقی مانده بودند (۵). در روند کسب استقلال توسط کشورهای مستعمره، سال ۱۹۶۰ اهمیت بسیار دارد و در تاریخ به عنوان سال آفریقا نامیده شده است، چرا که در این سال ۱۷ کشور آفریقایی استقلال خود را بدست آوردند (۶). تا پایان سال ۱۹۷۵، تعداد ۴۷ حکومت مستقل در آفریقا وجود داشت و در واقع از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد زوال نظام استعماری در آفریقا به مرحله نهایی خود رسید.

در هر صورت پیدایش دولت‌های تازه به استقلال رسیده متعدد در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و مواجهه این کشورها با مسایل و مشکلات فراوانی که رویاروی خود داشتند، ضرورت طرح مساله توسعه اقتصادی و بهترین شیوه دستیابی به آنرا در دستور کار رهبران این قبیل کشورها

قرار داد • اینان که جامعه خود را قرن‌ها عقب تراز قافله تمدن صنعتی، کارآیی اقتصادی، رفاه اجتماعی و آزادی و دموکراسی سیاسی می‌دیدند، در پی راهی بودند تا بتوانند در کوتاهترین زمان ممکن به اهداف و آمال فوق‌جامه عمل پیوشانند • بدین لحاظ چه در میان متفکرین و روشنفکران این جوامع و چه در نزد صاحب‌نظران مسایل اینگونه کشورها در ممالک توسعه یافته صنعتی، تکاپوی نظری گسترده‌ای در جهت تبیین پدید توسعه نیافتگی و راههای غلبه بر آن آغاز گردید •

ارجاعات مقدمه

- ۰۱ ویلیام مک کورد . " تبیین فرآیند توسعه اقتصادی در شرق آسیا " . " فرهنگ توسعه " . ش ۰۷ .
مرداد و شهریور ۱۳۷۲ . ص ۰۴۰
- ۰۲ توماس زنتس . " تفسیرهایی بر توسعه نیافتگی اقتصادی " . ترجمه کیومرث پریانی . تهران :
توس ، بی تا . ص ۰۱۱
- ۰۳ پل باران (و دیگران) . " اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی و رشد " . ترجمه و تالیف فرهاد نعمانی .
تهران : امیرکبیر ، ۱۳۵۴ . ص ۰۵-۶
- ۰۴ اسکندروف (و دیگران) . " جهان سوم با دشواریها و دورنماهایش " . ترجمه ر . فریبسند .
تهران : امیرکبیر ، ۱۳۵۱ . ص ۱۲-۷
- ۰۵ مجید رهنما . " مسایل کشورهای آسیایی و آفریقایی " . تهران : انتشارات دانشگاه تهران ،
۱۳۵۰ . ص ۰۳۹
- ۰۶ گ . آ . کوزلف . " اقتصاد سیاسی : سرمایه داری " . ترجمه ف . مجیدی . تهران : مازیار ،
۱۳۶۰ . ص ۰۴۳۳

بخش اول

رهیافت نظری به توسعه اقتصادی

فصل (۱)

زمینه‌های نظری توسعه اقتصادی

سالهای پس از جنگ جهانی دوم، شاهد پررونق‌ترین دوره طرح و بسط مباحث و نظریات مختلف و گاه معارض پیرامون مساله اساسی " توسعه اقتصادی " بوده است. به عبارت دیگر، علم اقتصاد در چند دهه اخیر بیش از هر زمان دیگر عرصه طرح دیدگاه‌های گوناگون در این زمینه بوده و صاحب‌نظرانی با گرایش‌های و باورهای ایدئولوژیک متفاوت کوشیده‌اند استدلال‌هایی در اثبات صحت فرضیات خود ارائه دهند. با این‌همه نباید تصور نمود که طرح مساله توسعه اقتصادی پدیده‌ای صرفاً " متاخر است و ریشه‌ای در گذشته ندارد. در واقع توجه به فرایند توسعه اقتصادی جوامع سابقه‌ای دیرینه داشته و قبل از اقتصاددانان معاصر از سوی متفکران شاخه‌ای از اندیشه اقتصادی که اصطلاحاً " مکتب کلاسیک " خوانده می‌شود، مورد توجه قرار گرفت. از این‌رو ردپای مباحث مربوط به توسعه اقتصادی را میتوان در آثار اقتصاد دان‌هایی از قبیل " آدام اسمیت " و " دیویس " و " ریکاردو " یافت.

اقتصاد توسعه از مکتب کلاسیک تا مارکسیسم ارتدوکس

آدام اسمیت

طبق نظریه آدام اسمیت، رشد اقتصادی هر جامعه در گرو گسترش تخصص منطقه‌ای و کاهش تعرفه‌های گمرکی و تجاری بین المللی است، چرا که منابع و امکانات طبیعی، نیروی کار، شرایط اقلیمی و ... در میان جوامع مختلف بگونه‌ای نابرابر توزیع شده‌اند. لذا هر جامعه باید باتکیه بر این " مواهب طبیعی " تولید خود را تخصصی کند، بطوریکه مبادلات تجارت بین المللی بتواند قدرت، قابلیت و خلاقیت تولیدی جامعه را در زمینه‌های معینی از تولید مواد خام، کالاها و خدمات به حداکثر ظرفیت آن برساند. این اندیشه در واقع سنگ بنای تقسیم بین المللی کار در چارچوب نظام استعماری چند قرن آتی گردید (۱).

دیوید ریکاردو

اگرچه "آدام اسمیت" مساله توسعه اقتصادی را مورد توجه قرار داده بود، ولی "ریکاردو" نخستین کسی بود که نظریه‌های سیستماتیک در این خصوص تنظیم نمود. روند توسعه اقتصادی از نظر ریکاردو را بصورت ذیل میتوان بیان داشت:

توسعه اقتصادی حاصل تراکم و سرمایه‌گذاری تولیدی بخشی از تولید اجتماعی است. این تولید اضافی در نظام تولیدی سرمایه‌داری به دو شکل پدیدار می‌شود: سود سرمایه و اجاره زمین. ریکاردو و براین باور بود که در عمل، تنها سود سرمایه است که مبنای توسعه اقتصادی بشمار می‌آید، چرا که اجاره زمین معمولاً بوسیله مالک بگونه‌ای غیر تولیدی مصرف می‌شود. از اینرو هرچه سود بیشتر باشد، تراکم و در نتیجه سرمایه‌گذاری تولیدی بیشتر خواهد بود. به این ترتیب از نظریه ریکاردو چنین استنباط می‌شود که بدلیل ملازمت سود بیشتر با توسعه بیشتر، مساله توسعه اقتصادی الزاماً به مساله شناسایی میزان سود در توزیع اجتماعی تولید منجر خواهد شد (۲).

ریکاردو در روند توسعه اقتصادی وضعیتی را خاطر نشان می‌سازد که در آن توسعه اقتصادی به انتها می‌رسد و وی آنرا "موقعیت ساکن" (Stationary State) می‌نامد، به گفته وی رشد مداوم جمعیت، رشد تولید کشاورزی و به تبع آن افزایش هزینه‌های نهایی تولید کشاورزی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. در نتیجه اجاره زمین افزایش می‌یابد که این سهم بیشتری از تولید اجتماعی را بخود جذب می‌کند. بنابراین به عقیده ریکاردو، مکانیسم توسعه اقتصادی به افزایش مستمر سهم طبقه زمیندار در درآمد ملی و کاهش سهم مالکین سرمایه منجر می‌گردد و با توجه به اینکه سود سرمایه هم منبع و هم محرک تراکم و در نتیجه توسعه اقتصادی می‌باشد، لذا بخاطر کاهش سود سرمایه داران، روند توسعه اقتصادی پایان می‌رسد و حالت رکود و سکون ایجاد می‌شود (۳).

این نظر که روند توسعه اقتصادی به موقعیت ساکنی میرسد مورد قبول تمام اقتصاددانان مکتب کلاسیک بود، ولی اقتصاددانان بعدی و بویژه نظریه پردازان مکتب "کلاسیک جدید" تصویر دیگری از روند توسعه اقتصادی بدست دادند که اساساً مشابه نظریه کلاسیک‌ها نبود ولی آن پیام سکون و تیرگی را که ریکاردو و اقتصاددانان هم‌عصر وی ارائه می‌دادند، دربر نداشت. در اقتصاد کلاسیک جدید نیز تراکم سرمایه که ناشی از درآمد مالکیت بود، همچنان بعنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی معرفی می‌شد. تنها تفاوت موجود، نفی نقش مالکین زمین در فرایند تراکم سرمایه بود که دلیل این امر را باید در تکامل تاریخی نظام سرمایه‌داری و از میان رفتن آخرین بقایای شیوه تولید فئودالی دانست. مکتب کلاسیک جدید نابرابری درآمد را به این دلیل